

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ارسالی : نشریه پیشرو

نه امریکا، نه طالب و جنگسالار؛

فقط نیروی سوم

مردم افغانستان در طول تاریخ هیچگاهی لذت زندگی را نچشیده و کمر شان همیشه زیر بار ستم و استعمار شکسته و بدبختی های دوزخ آسائی را تحمل کرده اند. مخصوصاً در ۳۰ سال اخیر که گاه زیر لوای دروغین سوسیالیزم و برابری، گاه دین و شریعت مداری و اکنون زیر نام دموکراسی و جامعه مدنی این ستم ها زنده تر از گذشته اعمال می گردد و دادرسی نیست که داد شان را به آنجا ببرند. این روز و روزگار، مردم افغانستان را سخت به ستوه آورده و با نشان دادن واکنش های منفی، اینک شاهد خودکشی ها، فرارها، خودسوزی ها، تجاوزها و هزاران جرم و جنایت دیگر در سراسر کشور می باشیم و هیچکس به این باور نمی باشد که روزی دریچه خوشبختی بر روی شان باز گردد.

امروز که از یک طرف نیروهای ۴۱ کشور جهان که اوپاما آن را اشغالگرانه می خواند (اوپاما در مصاحبه با تلویزیون «بی. بی. سی. اس» امریکا گفت: «همانطوری که می دانید افغانستان تاریخچه طولانی درباره بیرون راندن نیروهای اشغالگر دارد و ما باید این تاریخچه را حین بررسی ستراتیژی خود درین کشور مد نظر بگیریم») در افغانستان حضور دارند و از سوی دیگر القاعده و طالبان با تمامی شاخه پنجه های خود به کشتار توده های مردم پرداخته، معلوم است که هر دو طرف برنامه خدمت به مردم نداشته، با بد مستی های آنان هر روز زندگی مردم بد و بدتر شده، به تباهی و بربادی کشیده می شود. مردمی که کوچکترین صلاحیتی بر تعیین سرنوشت خود نداشته، آنانی که خود را «نمایندگان» مردم می گویند، دستان اکثر شان تا مرفق به خون توده ها آلوده بوده، توقع نمایندگی از آنان خیال واهی بیش نیست، به این خاطر شرایط زندگی دوزخ آسای کنونی مردم افغانستان، نیروی سوم را برای جاگزینی هر دو طرف می طلبد، تا از یکسو چنگال نیروهای اشغال کننده از گلوی شان رها گردد و از سوی دیگر دست نیروهای بنیادگرا بیش ازین حلقوم شان را نفشارد.

امریکائیان که به زودی تعداد نیروهای شان را در افغانستان به ۷۲ هزار نفر می رسانند و افغانستان را سکوتی برای رسیدن به اهداف آسیائی شان قرار داده اند، با وعده وعیدهای بسیاری که در ابتدای ورود شان به افغانستان (با سقوط طالبان و حمایت جبهه شمال) به مردم زجرکشیده افغان دادند، با علم کردن پروسه دموکراتیک، ایجاد سیستم قانونمدار و بازسازی و چاپ نقشه های کابل ۲۰۲۰ که این شهر ویرانه را بر اوج پیشرفت و ترقی خواهند نشانند،

عده ای را چنان مجذوب نمودند که جز «دوستان بین المللی» و «فرصت طلایی» چیزی بر زبان نمی آوردند، کابلی که اکنون بعد از سپری شدن هشت سال جز تعفن، زباله، ویرانی و سنگربندی چیزی در آن به چشم نمی خورد. درین مدت نیروی ویژه امریکائی به تلاشی شبانه خانه ها، دستگیری و زندانی و به گلوله بستن و گلو بریدن مردم اشتغال داشته، ۲۴ زندان از جمله زندان بگرام که در آن افغان ها بی هیچ محاکمه ای در بدترین وضعیت قرار دارند و امریکائی ها به زودی زندان «طلایی» ۶۰ هزار دالری را در بگرام می سازند. این ها همه نشان می دهد که بازسازی امریکائی ها در افغانستان چه مفهومی داشته است. امریکائی ها بعد از سقوط امارت طالبی کوشش کردند تا هرچه جنایتکار تنظیمی، طالبی و دموکراتیکی را که به میل شان برابر بودند و از برپادی افغانستان خم به ابرو نمی آوردند، بر اریکه قدرت سوار کنند، چیزی که امروز خود شان این دولت را فاسد و بی کفایت می خوانند، در حالی که مردم افغانستان از مدت ها نسبت به آنان نفرت داشته و همیشه خواهان محاکمه شان بوده اند. خلیل زاد و لخصر براهیمی نماینده های دوقلوی امریکا و یوناما در زمان شکل دادن این دولت اعلان کردند که «عدالت را فدای صلح می کنند» و به این شکل بار دیگر دست جنایتکاران را برهست و بود مردم باز کردند و امروز عده ای سالوسانه بر دروازه یوناما صف می کشند تا داد دادخواهان را ازین در به دست آرند و به این صورت برای دادخواهی سرایی را به مردم آدرس می دهند. امریکائی ها که در سال گذشته بیش از ۱۶۰۰ افغان بی گناه و ملکی را به قتل رساندند و پیشبینی می کنند که در سال روان میلادی به علت خونین تر شدن وضع، این کشتار بیشتر خواهد شد. امریکائی ها در "زیرکوه" شیندند، "عزیزآباد" شیندند، "بکوا" فراه، زرمت، لغمان، فارم های جلال آباد، تگاب، پنجوائی، ژیری، نادعلی هلمند، هسکه مینه، شاه ولی کوت، ارزگان، دره پیچ، گذره هرات، لوگر و دهها جای دیگر با بمباران های کور به قتل صدها افغان دست زده اند (جالب اینکه به خاطر کشتار ۹۰ زن و مرد و کودک در عزیزآباد، دولت افغانستان یک افغان را که گویا گزارش غلط داده، به اعدام محکوم کرد و کاسه و کوزه را بر سر او شکست تا کسی نگوید که امریکائی ها قاتلند). به اینصورت ثمره فرصت طلایی در افغانستان با آمدن امریکائی ها و به قدرت رسیدن جنگسالاران، تکنوکرات ها و دموکراتیکی ها به عنوان حواریون کرسی؛ بیش از ۶۰ در صد مردم زیر خط فقر رانده شدند، چهار میلیون نفر بیکار گشتند، پنج میلیون نفر آواره ماندند، فساد اداری در دنیا بی نظیر گشت، فساد دونرها، انجوها و کمپنی های غربی مردم افغانستان را در تیره روزی و دربدری غرق کرد (۷۸ هزار میل اسلحه ای که کمپنی های غربی به افغانستان آورده اند، همه گم شده اند)، گراف خودکشی و خودسوزی افغان ها مخصوصاً زنان در تاریخ کشور بینظیر شد، فرار از دهات به شهرها و بیکاری در شهرها دهها گروپ مافیای مواد مخدر، اختطاف اطفال و قاچاق زنان را پرورش داد، افغانستان به بزرگترین کشور تولید کننده مواد مخدر تبدیل گشت که در آن بیش از یک و نیم میلیون نفر معتاد شدند، راه جاسوسی ۲۶ کشور جهان با ۶۰ هزار جاسوس در افغانستان باز گشت؛ همسایگان افغانستان مخصوصاً ایران و پاکستان به مداخله ۲۴ ساعته در افغانستان آغاز کردند؛ گراف روسپی گری زنان، تن فروشی اطفال و گدایان در شهرها، مخصوصاً پایتخت به اوج خود رسید و با این همه قرار است امریکائی ها با معاهدات ستراتیژیکی که با دولت افغانستان به امضاء رسانده به زودی نیروهای شان را تا دل شان بخواهد بالا ببرند که در حال حاضر دهها پایگاه و میدان هوایی در سراسر کشور در دست احداث می باشد. به این خاطر گروپ بزرگ انجینیری امریکائی وارد افغانستان شده است. این نیروها که می دانند بهای هر افغان فقط دو هزار دالر می باشد، از فیر بر افغان ها در راه ها و جاده های شهرها کوچکترین دریغی نکرده، هر که را دل شان بخواهد به گلوله می بندند.

طالبان که پنج سال در افغانستان حکومت راندند، در روابط نزدیکی با استخبارات پاکستان قرار دارند. مردم در مدت حکومت شان از هیچ نعمت زندگی برخوردار نبودند؛ آنان دروازه های مکاتب را بستند، مواد مخدر را گسترش دادند، شنیدن موسیقی را ممنوع نمودند، به زور و استبداد حکومت کردند، در بازسازی گامی بر نداشتند و کوچکترین برنامه خدمت به مردم نداشتند و جز خود کسی را حق کوچکترین بیانی نمی دادند. حال که در برابر خارجی ها و دولت افغانستان می جنگند، کوچکترین توجهی به زندگی مردم نداشتند، در میان مردمی که هیچ پیوندی نه با دولت و نه با نیروهای امنیتی دارند خود را منفجر کرده، کارگران را می کشند، از مردم باج ستانی می کنند و با این گمان که روندگان به ایران عساکر اردوی ملی هستند، ۳۳ نفر را توتّه توتّه می کنند و به این ترتیب بسیاری از عملکردهای آنان زمان حضور خارجی ها در افغانستان را افزایش می دهد و خارجی ها ازین رقابت برای حضور درازمدت شان سود می برند. مردم امید زندگی بهتر را با به قدرت رسیدن طالبان هرگز ندارند و به این صورت در میان دو نیرو گیر مانده، در بحر بیکرانی از فقر، بیکاری و بی عدالتی دست و پا می زنند. لذا مردم در حالات بسیاری دست به تظاهرات زده، راه های عمومی را می بندند. تا حال ساکنان اکثر ولایات کشور بر ضد اعمال نیروهای امریکائی، دولت افغانستان و طالبان دست به تظاهرات زده اند که این خود عمق نارضایتی عمومی مردم را در برابر اینان به نمایش می گذارد، تظاهراتی که نمونه آن در بسیاری از کشورهای جهان دیده نشده است. با تمام موارد بالا برای مردم افغانستان یک راه باقی می ماند و آن این که به فکر ایجاد نیروی سومی باشند. این نیرو می تواند از روشنفکران آزادیخواه در داخل و خارج کشور، سران قومی که تا حال ننگ وابستگی و ریزه خواری را نداشته، افراد دموکراتی که در خدمت این دو نیرو قرار نداشته و جریانات سیاسی که تا حال به هیچ زورگوئی خوش آمد نگفته باشند، با افراد صفوف تمام جریانات سیاسی که به واقعیت و ظنفروشانه، استبدادگرانه و ضد مردمی رهبران شان پی برده باشند، در یک جبهه واحد جمع و از طرق مختلف در اخراج خارجی ها و کوتاه نمودن دست همسایگان و مزدوران شان تلاش نمایند. این نیرو قادر خواهد شد تا در جریان شکل گیری رهبران واقعی خود را پیدا کنند و با داشتن رابطه متقابل با همسایگان، کشورهای منطقه و جهان و پافشاری بر روی استقلال، آزادی و بیطرفی در نجات توده های مردم از شرایط خونبار کنونی تلاش نماید. زیرا آنانی که دست شان به خون مردم آلوده است و در فروش کشور دست داشته و فرمان خون و آتش را داده اند، عدای قلبی اند که شمار شان به دو هزار نفر نمی رسد و با طرد اینان میتوان فردائی برای کشور طراحی کرده در آن خوشبختی ملت نامراد ما رقم خورده باشد، با این که این کار زمان می خواهد و آسان نیست، ولی این شعار اگر از همین فردا مطرح گردد که نه امریکا و جنگسالاران و نه طالبان؛ در راه ایجاد نیروی سوم! برای فردای افغانستان کار ساز خواهد بود.